بازخوانی مستند حوادث صدر اسلام و پاسخ به شبهه‌های تاریخی ایام فاطمیه

فاطمه علیها السلام؛ الگوی عقلانیت، جهاد تبیین و حفظ وحدت اسلامی



میثم دهقانی - عکس رضوی

احمدی شیروان| ایام فاطمیه، روزهای تجدید میثاق با آرمان‌های والای کوثر قرآن، حضرت فاطمه زهرا(س) است؛ بانویی که سیره زندگانی‌اش، نقطه پرگار عقلانیت، جهاد تبیین و دفاع از حقانیت دین مبین اسلام به شمار می‌رود. همزمان با فرارسیدن این ایام سوگواری، بازخوانی فرازهای مهم تاریخی و پاسخ‌گویی به دغدغه‌ها و شبهه‌های مطرح‌شده از سوی شبکه‌های وهابی و برخی از افراد درباره رویدادهای پس از رحلت پیامبر اعظم(ص)، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این میان، تحلیل مستند و به دور از هیجانات یا تعصبات و منطبق بر منابع معتبر شیعه و اهل سنت می‌تواند مسیر معرفت‌افزایی را برای نسل جوان و جویای حقیقت هموارتر کند.



برای بررسی ابعاد تاریخی، شواهد قرآنی و درس‌های معرفتی سیره فاطمی، خواندن این گفت‌وگو با دکتر جعفر آقایانی چاوشی، دانشیار دانشگاه شریف؛ پنجره‌ای نو به تبیین مستند این رویداد مهم تاریخی می‌گشاید.

■ با فرارسیدن ایام فاطمیه، بار دیگر توجه جامعه به بازخوانی سیره و رویدادهای تاریخی مربوط به شهادت حضرت زهرا(س) جلب می‌شود. از منظر پژوهشی، چرا بازخوانی مستند این واقعه برای مخاطب امروز، یک ضرورت معرفتی است؟

تاریخ چراغ راه آینده است. ایام فاطمیه و حوادث پس از ارتحال رسول خدا(ص)، یکی از بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز در جهان اسلام است. امروز مخاطب هوشمند و نسل جوان ما، پرسش‌هایی دارد و به دنبال پاسخ‌های عقلانی، مستند و عاری از تعصب می‌گردد. اگر ما نتوانیم تاریخ را به شکل صحیح، علم‌محور و متکی بر اسناد دست‌اول روایت کنیم، تحریف‌ها یا خوانش‌های سطحی جای حقیقت را می‌گیرند. بازخوانی سیره حضرت صدیقه طاهره(س) از آن جهت اهمیت دارد که به ما نشان می‌دهد چگونه می‌توان در سخت‌ترین شرایط، با اقدام بهنگام هم از مبانی دینی و حقانیت ولایت دفاع کرد و هم مصالح عالیه امت اسلامی و وحدت بر مدار حق را مد نظر قرار داد. الگوی رفتاری حضرت زهرا(س)، ترکیبی از روشنگری، مظلومیت و شجاعت اخلاقی و کنشگری اجتماعی بوده که برای جامعه امروز ما فوق‌العاده درس‌آموز است.

■ گاهی در فضای مجازی یا محافل عمومی، شبهاتی درباره جزئیات تاریخی آن دوره مطرح می‌شود؛ مثلاً شبکه‌های وهابی یا افرادی مدعی می‌شوند منازل مدینه در صدر اسلام اصلاً «در» نداشته‌اند که ما جای هجوم یا آتش زدن رخ داده باشد. پاسخ علمی و مستند به این گونه ادعاها چیست؟

این دست ادعاها متأسفانه ناشی از عدم مطالعه دقیق منابع تاریخی و حتی آیات صریح قرآن کریم است. برای پاسخ به این شبهه، اصلاً نیازی به تحلیل‌های پیچیده نیست؛ کافی است به خود متن قرآن و احادیث معتبر مراجعه کنیم.

اولاً، خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره مبارکه نور درباره غذا خوردن از برخی خانه‌ها، می‌فرماید: «أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ» (یا خانه‌هایی که کلیدهای آن در اختیار شماست). کلمه «مفاتح» جمع «مفتاح» به معنای کلید است. از منظر عقلانی و لغوی، آیا می‌توان تصور کرد منازلی وجود داشته باشد که کلید داشته باشد اما درب چوبی یا ساختار ورودی قفل‌شونده نداشته باشد؟ کلید بدون درب بی‌معناست.

ثانیاً، در کتاب‌های حدیثی و تاریخی معتبر اهل‌سنت، شواهد فراوانی وجود دارد که ثابت می‌کند خانه‌های مدینه دارای در، قفل و کلید بوده‌اند. به عنوان نمونه، «دکین بن سعید المزنی» نقل می‌کند همراه گروهی نزد پیامبر(ص) رفتیم و درخواست طعام کردیم. پیامبر(ص) دستور دادند به آنان غذا بدهد. راوی می‌گوید او ما را به اتاق بالا برد، سپس کلید را از کمربندش بیرون آورد و در اتاق را باز کرد (سنن ابی‌داوود، جلد۴، صفحه ۳۶۱) یا اینکه پیامبر(ص) دستور می‌دادند شب‌ها در خانه‌ها را قفل کنند. (صحیح مسلم، جلد۳، ص۱۵۹۳) افزون بر اینکه خانه امیرالمؤمنین(ع) دارای در چوبی و میخ آهنین بود (الدرة الثمینة فی تاریخ المدینة، ص ۲۰۵) و همین خانه را آتش زدند. (الشافی فی الامامة، جلد ۳، صفحه ۲۴۱) بنابراین، وجود در برای خانه امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) یک امر کاملاً قطعی و اثبات‌شده است. علمای بزرگی نظیر علامه مجلسی و در عصر ما آیت‌الله العظمی سبحانی در آثار پژوهشی خود مانند کتاب «یادگار رسالت»، متواتر بودن نقل‌های مربوط به شهادت حضرت زهرا(س) را با سندهای معتبر شیعه و سنی به اثبات رسانده‌اند.

■ یکی از پرسش‌های مهم مخاطبان این است که راز رفتار و موضع حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در آن مقطع حساس چه بود؟ چرا ایشان دست به اقدام مسلحانه نزدند و به صبر روی آوردند؟

این پرسش بسیار مهمی است و درک آن، کلید فهم عقلانیت اهل‌بیت(ع) است. پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، جامعه اسلامی در یک بحران عمیق فرو رفت. از یک سو خطر جنگ‌های رده و تهدیدهای امپراتوری‌های بیرونی مانند روم و ایران وجود داشت و از سوی دیگر، احتمال بروز جنگ داخلی و شقاق کامل میان مسلمین در مدینه بسیار بالا بود. اگر در آن فضای ملتهب، دست به شمشیر برده می‌شد، جامعه دچار تفرقه شده و شاکله نوزاد اسلام در خطر نابودی قرار می‌گرفت.

حضور حضرت فاطمه زهرا(س) پشت در یا مواجهه ایشان با رویدادها، تلاشی آگاهانه بود برای اینکه حرمت پیامبر(ص) و خاندانشان یادآوری شود تا شاید بدون وقوع درگیری و خون‌ریزی، مسیر منحرف‌شده اصلاح شود. امیرالمؤمنین(ع) نیز بر اساس وصیت پیامبر(ص) و برای حفظ اصل اسلام، صبر پیشه کردند. این صبر، نه از روی ضعف یا پذیرش اقدام مهاجمان، بلکه بزرگ‌ترین فداکاری تاریخ برای ماندگاری کلمه توحید بود. ایشان مصلحت کل امت را بر حق شخصی و تصدی حکومت ترجیح دادند. (الاستیعاب، جلد۲، صفحه۴۹۷)

■ آیا در منابع دست‌اول و معتبری همچون نهج‌البلاغه، ابعاد مظلومیت خاندان پیامبر(ع) و رنج‌هایی که بر حضرت زهرا(س) وارد آمد، با صراحت و لحنی شایسته بازگو شده است؟

بله، کاملاً. نهج‌البلاغه گنجینه‌ای بس گرانبها از معارف و عالی‌ترین سند تاریخی در تبیین رنج‌ها و در عین حال عظمت روحی اهل‌بیت(ع) است. یکی از تأثیرگذارترین و محکم‌ترین فرازهای نهج‌البلاغه، خطبه۲۰۲ است؛ کلامی که امیرالمؤمنین علی(ع) در لحظات خاکسپاری پیکر مطهر صدیقه طاهره(س) و در نجوا با روح مطهر پیامبر اعظم(ص) بیان فرموده‌اند.

امام(ع) در این خطبه تاریخی، با لحنی آکنده از حزن، احترام و شکوه روحی، خطاب به رسول‌الله(ص) می‌فرمایند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَعَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ... فَقَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَأُخِذَتِ الرَّهِينَةُ... وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ...» (سلام بر تو ای رسول خدا، از جانب من و از جانب دخترت که هم‌اکنون در جوار تو آرام گرفته است... امانت پس گرفته شد و گوهر گرانبها به صاحبش بازگشت... به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که چگونه امتت در ستم بر او همدست شدند؛ پس احوال او را به‌دقت پرس‌وجو کن و خبر ماجرا را از او بخواه...).

این کلام والا در نهج‌البلاغه، نه‌تنها اوج ادب، معرفت و پیوند عمیق امام علی(ع) با پیامبر(ص) را به نمایش می‌گذارد، بلکه روشن‌ترین گواهی است بر مظلومیت حضرت زهرا(س) و فشارهایی که بر بیت وحی وارد شد. امام(ع) با واگذار کردن داوری به محضر رسول خدا(ص)، عمق رنج‌های فاطمه اطهر(س) را ثبت کردند تا برای همگان ثابت شود که تحولات آن دوران، هرگز بر پایه رضایت اهل‌بیت(ع) نبوده است.

■ حضرت زهرا(س) در آن ایام خطبه‌ها و سخنرانی‌های مهمی ایراد کردند. الگوی کنشگری اجتماعی و گفتمانی بانوی دو عالم برای جامعه امروز، به‌ویژه زنان و فعالان اجتماعی چیست؟

حضرت زهرا(س) بنیان‌گذار یک کنش گفتاری اعتراضی منطقی، آگاهانه و کاملاً اخلاقی در تاریخ اسلام هستند. ایشان در شرایطی که سکوت و بی‌تفاوتی سنگینی بر جامعه سایه افکنده بود، از ابزار روشنگری استفاده کردند که برجسته‌ترین جلوه آن، ایراد خطبه شریفه فدکیه در مسجد پیامبر(ص) و همچنین گفت‌وگو با بانوان مهاجر و انصار بود.

خطبه فدکیه صرفاً یک مطالبه حقوقی درباره یک ملک یا حق شخصی نبود؛ بلکه منشوری جامع از معارف اسلامی، جهان‌بینی قرآنی و تبیین حکمت احکام بود. حضرت در این خطبه تاریخی، با استناد صریح به آیات قرآن، به آسیب‌شناسی جامعه پس از رسول‌الله(ص)، تبیین جایگاه ولایت و هشدار نسبت به بازگشت رفتارهای جاهلی پرداختند. ایشان علاوه بر این خطبه ماندگار، در گفت‌وگو با زنان مدینه نیز با ادبیاتی بسیار فاخر، بی‌تفاوتی مردان در برابر نادیده گرفتن وصایای پیامبر(ص) را نقد کرده و عواقب اجتماعی بی‌اعتنایی به عدالت را گوشزد کردند. این سیره به ما می‌آموزد یک زن مسلمان می‌تواند در اوج عفاف و حیای اسلامی، پرچم‌دار جهاد تبیین، مطالبه‌گری عقلانی و دفاع از حق باشد. حضرت فاطمه(س) به ما یاد دادند در برابر انحرافات دینی و اخلاقی نباید منفعل بود، بلکه باید با زبان منطق، استدلال قرآنی و اخلاق، حقایق را برای جامعه روشن کرد.

■ چگونه می‌توان پیام ایام فاطمیه را در عصر حاضر به عامل پیوند، وحدت و معرفت‌افزایی میان مسلمانان تبدیل کرد؟

پیام فاطمیه؛ پیام عقلانیت، محبت و حق‌طلبی است. اگر فاطمیه به درستی و بر پایه اسناد معتبر تاریخی تبیین شود، عامل بصیرت و تعمق در آموزه‌های اسلامی و وحدت بر مدار حق است. برخورد علمی با وقایع تاریخی و پرهیز از تعصبات بی‌جا، جامعه را به سمت دانایی سوق می‌دهد.

حضرت فاطمه زهرا(س) متعلق به همه مسلمانان و بلکه همه آزادگان جهان است. پیامبر اکرم(ص) ایشان را «سیدة نساء العالمین» نامیدند. ما باید فاطمیه را فرصتی برای تقویت معرفت دینی، بصیرت افزایی جامعه، ترویج سبک زندگی اسلامی، الگوبرداری از ایثار و فداکاری آن حضرت در راه حفظ اصل دین و دست‌گیری از نیازمندان قرار دهیم. اگر رویکرد ما در فاطمیه، رویکرد پژوهش‌محور، مستند، آرام و اخلاقی باشد، هم پاسخ شبهات داده می‌شود و هم دغدغه وحدت امت اسلامی پاس داشته خواهد شد.

گفت‌وگو

بازخوانی مفهوم اسوه حسنه بودن حضرت زهرا(س) برای آحاد بشر به‌ویژه بانوان

حضرت زهرا علیها السلام؛ پرچم‌دار مطالبه‌گری اجتماعی

ریحانه عامل نیک| شهادت مظلومانه پاره تن نبی مکرم اسلام(ص)، فراتر از یک واقعه تلخ تاریخی، تجلی‌بخش کامل‌ترین، ناب‌ترین و متعالی‌ترین الگوی حضور فعال، آگاهانه و اثرگذار زن در عرصه دفاع از حریم ولایت است. حضرت فاطمه زهرا(س) با مجاهدت‌های خود و خطبه‌های کوبنده و حضور دغدغه‌مند خود در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، به روشنی به اثبات رساندند که رسالت زن در اسلام، هرگز محدود نبوده، بلکه پویایی، استقرار شریعت و هدایت جامعه دینی در گرو نقش‌آفرینی پیشتازانه بانوان در عرصه‌های خطیر است.



در گفت‌وگویی تفصیلی با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابویسانی، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر تاریخ و جریان‌شناسی، ابعاد گوناگون این سیره نورانی و تجلی آن در چالش‌ها و پوسته‌های امروز جامعه اسلامی و حضور اجتماعی مورد بحث، تحلیل و واکاوی قرار گرفته است که در ادامه مشروح این گفت‌وگو تقدیم می‌شود.

■ با توجه به واقعه دفاع از ولایت و خطبه فدکیه، سیره عملی حضرت زهرا(س) چه الگویی از «حضور فعال و مطالبه‌گری اجتماعی زن» ارائه می‌دهد؟

در تبیین سیره عملی وجود مبارک حضرت صدیقه طاهره(س) به عنوان اسوه حسنه برای آحاد بشر و به ویژه بانوان، نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که نقش‌های مختلف یک بانو در نگاه اسلام هرگز به معنای انحصار وجود او در گوشه‌نشینی یا کارویژه‌های صرفاً خانگی نیست. وقتی به ظاهر و باطن زندگی آن حضرت نگاه می‌کنیم این حقیقت آشکار می‌شود که سیره زندگانی ایشان در نقش‌های ویژه یا وظایف محدود فردی خلاصه نمی‌شده است.

یکی از برجسته‌ترین صفحات زندگی ایشان، دفاع جانانه، صریح و قاطع از ولی خدا و جریان ولایت بوده است؛ از ایراد خطبه فدکیه گرفته تا سخنرانی کوبنده در جمع زنان مدینه، مطالبه‌گری برای احقاق حق ولی در بیت‌الاحزان و مناجات‌ها و حزن‌های پرمعنای ایشان. قرآن کریم در تمثیل‌های هدایتگر خود، برای انسان‌های مؤمن و کافر نمونه‌هایی از زنان بزرگ را مطرح می‌کند.

به تعبیری دقیق، حضور فعال و مطالبه‌گری آگاهانه در عرصه اجتماع توسط بانوان، توان، قدرت و انرژی عظیمی به جریان‌های مختلف دینی برای احیای مبانی، استقرار شریعت و کمک به گسترش دین در جامعه می‌بخشد؛ به ویژه وقتی به این آمار و واقعیت توجه کنیم که نیمی از نیروی انسانی و پیکره جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین، حیاتی‌ترین تکلیف امروز همه انسان‌ها، این است که جایگاه و رسالت خود را در این عرصه تعریف کنند و آن سنگری را که می‌توانند در آن به ایفای نقش بپردازند یعنی سنگر حمایت از ولایت، تقویت دین و پاسداری از حریم ولایت، به عنوان بهترین و والاترین جایگاه برای حضور اجتماعی خود برگزینند.

■ از نظر شما ثبت‌نام‌های گسترده زنان در پویش‌ها و تشکل‌های مردمی نظیر حرکت‌های میلیونی «جان‌فدا»، چه پیوند عینی و مکتبی با روحیه جهادی و آمادگی در سیره زهرای مرضیه(س) دارد؟

در پاسخ به این پرسش درباره برگزاری پویش‌های مردمی بزرگی همچون پویش میلیونی «جان‌فدا» و چگونگی الگوبرداری از وجود مبارک بی‌بی دو عالم برای دعوت از بانوان برای حضور و نام‌نویسی در این حرکت‌ها، باید گفت پرواضح است که ما از بانوان انتظاری هم‌سنخ با تکالیف رزمی و میدان‌های سخت نظامی آقایان نداریم؛ به این معنا که اگر قرار باشد در خط مقدم جهاد تن‌به‌تن آقایان حضور داشته باشند، انتظار نداشته باشیم فرم حضور خانم‌ها دقیقاً به همان شکل باشد. بلکه شکل حضور زنان، همان گونه است که حضرت زهرا(س) را در صدر اسلام در عرصه دفاع از حریم ولایت، در اوج جریان مجاهدت، تبیین حقایق، رسواسازی جریان نفاق و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای پرداختن به مظلومیت و غربت ولی خدا می‌بینیم.

امروز نیز زنان جامعه ما می‌توانند با حضور نمادین و مؤثر خود در این عرصه‌ها و البته در میدان‌هایی که حضورشان اثرگذاری فوق‌العاده‌ای دارد، این نقش خطیر را ایفا کنند. سیره مبارک زهرای مرضیه(س) نشان می‌دهد ایشان فارغ از نقش‌های اصیل زنانه خود، هر گاه می‌دیدند حضورشان در پشت جبهه یا متن میدان مبارزه امری مفید و راه‌گشاست، با تمام وجود حضور پیدا می‌کردند؛ از همراهی در غزوه‌ها و جنگ‌های صدر اسلام در کنار پیامبر گرامی اسلام(ص) گرفته تا وقتی که همزمان نقش مادری و همسری را به بهترین شکل ایفا می‌کردند، در کمک به اقتصاد جامعه، یاری رساندن به همسر، التیام‌بخشی و غبارزدایی از فضای فکری جامعه و سکوت و همراهی عالمانه در حوادث پس از فوت رسول خدا(ص). بنابراین، حضور بانوان در چنین پویش‌هایی استمرار منطقی و مکتبی همان سیره درخشان است.

■ حضور مادران در صحنه‌های اجتماع و راهپیمایی‌ها همراه با کودکان و فرزندان خردسال، از منظر فقه تربیتی چقدر می‌تواند مصداق عینی تربیت نسل و امتداد همراهی حسنین(ع) با مادر باشد؟

طبیعت و ساختار سیره عملی حضرت زهرا(س) گویای این حقیقت است که ایشان هر گاه برای انجام وظیفه‌ای الهی و اجتماعی در بیرون از خانه حاضر می‌شدند، فرزندان خردسال خود را نیز همراه با خود می‌بردند. ما نباید دچار این خطای محاسباتی شویم که چون کودکان ظریف، لطیف و آسیب‌پذیرند، باید از صحنه‌های جدی زندگی و مبارزه کاملاً دور بمانند و مبادا دشمن را ملموس درک نکنند؛ بله، قطعاً مراقبت از روحیه لطیف کودکان، درک متقابل شرایط و توجه به سطح درک و ظرفیت فکری آنان امری لازم و ضروری است، اما نباید کودکان را از متن واقعیت‌های جامعه محروم کرد.

هنگامی که در دوران‌ها و شرایط گوناگون؛ همایش‌ها، تجمعات و راهپیمایی‌ها در یک عرصه جنگی و تقابل همه‌جانبه جریان حق و باطل برگزار می‌شود و میدان‌ها کاملاً رنگ و بوی خانواده به خود می‌گیرد، حضور مادر به همراه فرزندان، یک عنصر تربیتی بی‌نظیر را خلق می‌کند. این شیوه نشان می‌دهد مادر، کودک را به میدان آورده است تا از همان سنین خردسالی، حضور در صحنه، حس کردن وجود دشمن و لمس واقعیت‌های میدان را تجربه کند؛ امری که نویدبخش آمادگی عمیق روحی برای بسترسازی دوران شکوهمند ظهور است تا ان‌شاءالله این کودکان با گذشت زمان، آماده‌تر، پخته‌تر و آگاه‌تر پا به میدان‌های بزرگ‌تر نقش‌آفرینی بگذارند.

■ با چه استدلال‌هایی می‌توان پاسخ منتقدانی را داد که حضور کودکان در تجمعات و صحنه‌های شلوغ شهری را مغایر با آرامش یا وظیفه صرفاً خانه‌داری مادران می‌دانند؟

در تکمیل نکات پیشین و پاسخ به این پرسش باید به این نکته توجه داشت که جامعه و مردم ما نیازمند درک این حقیقت هستند که دین مبین اسلام، به هیچ عنوان دینی منفعل، خموده و رفاه‌زده نیست. اگر قرار است غصه، درد و غمی در جامعه دینی وجود داشته باشد، همه اقشار باید آن را درک کنند و اگر قرار است چالشی جدی با ظلم و باطل در جامعه شکل بگیرد، همه باید در حد فهم و شعور خود آن چالش را لمس کنند تا انگیزه‌ای برای از بین بردن ظلم و مقابله با آن در وجودشان جوانه بزند. آیا خانه‌داری اساساً چیزی غیر از فضای تربیت است؟ آیا مادر صرفاً یک خدمتگزار در چهاردیواری خانه است؟ بله، نباید کاری انجام دهیم که مادران را به صحنه‌هایی بکشانیم که به فضای تربیتی و ساماندهی خانواده آسیب بزند، اما در کنار آن باید مراقبت کنیم که یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین زوایای تربیتی در نگاه مکتبی ما، آماده‌سازی خانواده برای پذیرش تکالیف و مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی است. خانواده‌ای که تمام درهای خود را به روی جامعه و مسائل آن ببندد، بیم آن می‌رود که به سرنوشت جریان «خازلین» در صدر اسلام دچار شود؛ همان جریانی که اهل عبادت بودند، نماز می‌خواندند و مؤمن محسوب می‌شدند، اما از نصرت امام زمان خود سر باز زدند، امام را در میدان تنها گذاشتند و به نوعی عامل شهادت مظلومانه بی‌بی دو عالم(س) و غربت امیرالمؤمنین(ع) شدند. حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه در حکمت ۱۸ می‌فرمایند: «خَذَلُوا الْحَقَّ، وَ لَمْ يَنْصُرُوا الْبَاطِلَ».

خطر بزرگ امروز ما، ملحق شدن به همین جریان «خازلین» است؛ کسانی که اگر امام زمان خود را یاری می‌کردند، شاید آن مظلومیت‌های تلخ تاریخی اتفاق نمی‌افتاد و اگر امروز امام را نصرت می‌کردند، پیروزی‌ها با سرعت بیشتری ثمره می‌داد و چه‌بسا امروز در عصر ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) بودیم. این «شاید»ها و حسرت‌های تاریخی است که وقتی به آن فکر می‌کنیم انسان را کلافه می‌کند؛ افرادی که می‌توانستند پای کار بیایند، اما به صرف اینکه فکر کردند تعدادشان کم است یا ضعیف‌تر هستند، از همراهی سر باز زدند.

کسانی که به این جریان منتقدند، عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا دغدغه‌ای ندارند و این حرف‌ها را با این نیت مطرح می‌کنند که خیابان‌ها خلوت شود و خودشان به اهداف خاصشان برسند و یا اگر دلسوزند، حواسشان نیست که جریان تربیتی بر این پایه استوار است که خانواده، ستون فقرات و سلول اصلی جامعه است و مهم‌ترین عنصر در اجتماع، هرگز در چهاردیواری منزل خلاصه نمی‌شود.

اگر قرار بود کارکرد زن فقط در خانه خلاصه شود، بی‌بی دو عالم(س) مبارزه خود را از همان درون منزل ادامه می‌دادند و فرزندان را با خود به صحنه نمی‌بردند، به بیت‌الاحزان نمی‌رفتند و آن خطبه‌ها و کلمات پرمغز مناجات را در اجتماعات مطرح نمی‌کردند. رفتار خود حضرت با وجود مقام معنوی و والایشان به روشنی نشان می‌دهد معیار و اولویت اصلی برای ایشان، دفاع از حریم ولایت و شخص ولی خدا بود و در این راه، حضور اجتماعی بانو نه تنها مانعی برای خانواده نیست، بلکه می‌تواند فضای مبارزه و تربیت مکتبی را به ژرف‌ترین شکل ممکن تقویت و پشتیبانی کند.